

• موضوع: فقه های مضاف ؛ ظرفیت ها و آسیب ها

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

اللهم صل على محمد و آل محمد و اهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

• فقه های مضاف؛ ظرفیت ها

فقه مضاف در واقع به رسمیت شناختن تمحض و تمرکز هست یعنی چه؟ ما سه رقم می توانیم با یک دانشی مرتبط باشیم گاه ارتباط ما با یک دانش اطلاع است ممکن است کسی اطلاعاتی از حقوق داشته باشد از نحو هم دارد و از ادبیات هم دارد مرحله دوم مرحله تخصص است یعنی مرحله ای که طرف صاحب نظر در آن دانش است مثل یک طلبه فاضلی که سالها اصول و فقه می خواند و به درجه اجتهاد می رسد ولی یک مرحله دیگر داریم مرحله تمحض و تمرکز است تمحض بر یک باب حتی بر یک مساله مثل یک طلبه مجتهد فقیه فرض کنید روی یک موضوعی ده سال کار می کند یا موضوع رساله او می شود یک مساله ارث زن از عقار و میرود کار می کند. و لذا کسانی که صاحب فکرنند مثل شما میدانند که ما امروز نیازمان با تمحض و تمرکز حل میشود و نه با تخصص ؛ یعنی اگر امروز کسی بخواهد کار سترگی انجام دهد با تمحض این کار شدنی است نه با تخصص.

در فقه ، فقیه ما ممکن است برای رساله ، از اول کتاب طهارت تا دیات رساله بنویسد ولی اگر واقعا بخواهد کار کند کارستان نمی تواند.

سیصد سال یک طلبه باید کار کند تا حرف برای گفتن داشته باشد.

فقه مضاف ، در واقع یعنی فقه تمحض و تمرکز به رسمیت شناختن تمحض و تمرکز .

و آخرین جمله من در این بخش این است که روز به روز ضرورت آن هم بیشتر می شود . شما فرض کنید یک فضای مجازی می آید چقدر با خود مساله می آورد . ما سی سال پیش این مسائل را نداشتیم ولی الان داریم و هکذا .

یک خلق فکر انسان است غیر از تکنولوژیبه هر صورت فقه مضاف روز به روز دارد ضرورت آن بیشتر می شود این که فقه بخواهد پاسخگو و بالنده باشد

ما وجه ضرورته و وجوبه و لزومه؟

اگر اجازه بدهید من روی ظرفیتها نایستم من اصل صحبتتم را روی آسیبها می خواهم قرار دهم من چند آسیب نوشتم قطعاً سلیقه ای است به عنوان طلبه ای که با اطراف زیاد سر و کار دارم و با افراد زیادی سر و کار دارم خیلی هم این سلیقه بی ربط نیست.

گاه تخصص و تمحض به درجه ای میرسد که مثلاً متخصص چشم چپ با راست متفاوت است

• آسیب ها در حوزه فقه های مضاف

آسیب اول:

و در فقه مضاف این تمحض به معنای تکه تکه کردن است ؛ مثلاً کسی بگوید من فقه نظام اموال را متخصصم .

یا فقه نظام عقود ...

البته باید دقت داشته باشیم مبدا به اسم فقه مضاف ، ما فقه مضاف را بکشانیم به یک جاهایی که رسالت فقه نیست و بار اضافه بر دوش فقه باشد.

آسیب دوم :

ما فقه های مضاف الکی و انتزاعی درست کنیم و بکشانیم ان را به جزئیات بکشانیم .

آسیب سوم:

عوامل انتزاعی درست کردن بدون ویژگی به اسم فقه مضاف ما فقه را ببریم در ساحتی که به فقه ربطی ندارد. این سومی که الان دارم می گویم (عنوان انتزاعی) گاه به این شکل است که ممکن است موضوع ربط داشته باشد اما بحث خاصی ندارد.

اگر می خواهیم مثلاً فقه سینما صحبت کنیم مطلب باید داشته باشیم بحث این است که ما گاه به اسم فقه مضاف وارد عرصه هایی می شویم که خیلی حرف برای گفتن نداریم و مطلبی هم که گفته می شود عملاً در ساحتی دیگر هم بیان شده و تازه نیست. یا باید بتوانیم بحثی را اصطیاد کنیم یا اینکه رها کنیم . فقه رسانه ، فقه بورس ، فقه فرابورس ، فقه بخواهیم این ها را بحث کنیم و باز از شیخ انصاری مطلب بیاوریم . در این سی چهل سال این کارها شده است.

آسیب چهارم:

نوشتم در فقه های مضاف ورود غیر کارشناسانه به موضوع؛

شاید به ذهنتان بیاید که این چه آسیبی دارد ؛ دقت کنید و عجله نکنید در برخی از فقه های عام ، کارشناسی ساده است. کسی می خواهید در عبادات و معاملات به وجه سنتی کار کند، نهایتاً اگر لازم شد از یک

کارشناس نظرخواهی می کند. مثلا کتاب الصوم دارد می گوید می خواهد ببیند آمپول مفطر است یا نه؟ می خواهد کار کند یا این که مرجع تقلید است؛ از او سوال می کنند که آمپول روزه را باطل می کند یا نه؟

اما گاه ممکن است بخواهد فقه شرکت ها را بحث کند یا فقه بورس را بحث کند؛ این جا، نظر ما باید کارشناسی اش خاص باشد؛ ما یک زمانی فقه بورس می خواستیم بگویم و میتوانستم از این سایتها مطلب بگیرم و بگویم اما کسی را گفتیم که فقط در این زمینه کار کرده بود و آقای دکتر موسویان بود و سی و ... سال کار کرده بود در عرصه اقتصاد و کار به این شکل بود که آن شخص صحبت می کرد در خصوص بورس و بعد آقای دکتر موسویان صحبت می کرد، و بعد هم بنده نظر فقهی میدادم این شیوه را من نامش را گذاشته ام درس های سه ضلعی و به نظرم کار در برخی ساحتها باید به این شکل جلو برود نه این که کسی خود را همه دان بداند یا بخواهد در هر عرصه ای وارد شود

فقیه باید برخی مباحث را به عهده کارشناس باید بگذارد فقیه ما چه اصراری دارد که وارد کارشناسی شود در وقتی که تمام جوانب را نمیداند اصولا فقه های مضاف باید برگزاری آن به این شکل دو ضلعی و سه ضلعی باشد .

آسیب پنجم:

حاصل مناسب نداشتن؛ این هم از آسیب های فقه مضاف است؛ منظور من این است که باید حاصل مناسب داشته باشد. فرض کنید کسی در فقه الاقتصاد کار می کند مثلا از این مبحث شرایط عوضین و بیع را در می آورد؛ طبع اشکال ندارد و او هم کار کرده است اما خروجی فقه الاقتصاد این نباید باشد انسان یک مکروه هم اصطیاد کند ارزش دارد؛ حکم خدا احترام دارد حتی مستحب و مکروهش. من از شما سوال می کنم از فقه الاقتصاد آیا انتظار این معنا می رود؟ یا کسی که در فقه تربیت یا فقه اطفال کار می کند نهایت برسیم به این که برای نماز صبح بیدار کردن بچه اشکال دارد یا نه؟ مستحب است یا نه؟ بحث این است که از فقه التریبیه این مباحث انتظار نمی رود. از فقه التریبیه انتظار می رود که یک سیستم تربیتی یا یک نظام تربیتی در بیاورد و الا این مباحث را که مکاسب هم بیان کرده است.

به هر حال بحث این است که شما از فقه مضافتان چه مساله ای را می خواهید استخراج کنید؟

در فقه مضاف، خروجی باید یک گزاره ای باشد که دارای امتداد اجتماعی باشد؛ این خود یک مطلب و مساله ای مهم است؛ صحبت بر سر این است که برخی دانشهای ما ابتر است به این معنا که امتداد اجتماعی ندارد. در حالی که برخی از مسائل و مباحث به میان اجتماع می آید.

من سالهای 57، 58 شرح منظومه می خواندم؛ همان زمان ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی را هم می خواندم که اوائل انقلاب بود؛ دو کتاب حزب توده چاپ کرده بود؛ امیر نیک آیین؛ این آقا دو کتاب را من با علاقه خواندم؛ آن هم فلسفه مارکسیسم را بیان می کرد؛ میدیدم چقدر تفاوت است بین فلسفه ما با آنها؛ این که فلسفه ما مقدس است و .. حرفی نیست ما آن را بر سر و چشمان می گذاریم اما شما از فلسفه جناب سبزواری امتداد اجتماعی نمی بینید؛ یک تطبیق اجتماعی ندارید یا بحث امتناع و وجوب است یا بحث اصالت وجود، اصالت ماهیت، تشکیک وجود، وجود متواتر به هر حال امتداد اجتماعی ندارد.

فلسفه ای که امتداد اجتماعی و اجرایی داشته باشد؛ فلسفه ای که با همه فخامت و فخرش امتداد ندارد. این گذشت تا این که دو سه سال پیش بود که من در فرمایش رهبری دیده بودم که ایشان بحث می کرد که گفته بود فلسفه را دارای امتداد اجتماعی کنید. در فلسفه فقه های مضاف گاه باید امتداد اجرایی مبحث را هم در نظر داشت؛ اگر از فقه هنر یا فقه هسته ای یا فقه القضا صحبت می کنیم باید امتداد اجتماعی داشته باشد؛ مثلا در فقه القضا اگر خروجی آن پیشنهاد قانون باشد، کار مستحسنی است. گاه شما از فقه القضا صحبت می کنید و تمام ترائی که از قضا حرف زده را بررسی می کنید اما گاه بررسی می کنید که مثلا هیات منصفه چه جایگاهی دارد یا پرونده شخصیت یعنی فقه های مضاف باید به این سمت برود که پیشنهاد ماده قانون و قانون بدهد اگر از مدیریت بحث می کند نظام و چارچوب بدهد البته نه به آن قیمت بار اضافه ...

به هر حال امتداد باید مدیریت شود؛ و اگر امتداد نداشته باشد، این مباحث جواب نمیدهد.

ما اول فقه مضاف را گفتیم که زود فاصله گرفتیم، به پنج آسیب اشاره کردم؛ (البته مورد 6 و 7 هم هست؛ که مثلا ما موضوعاتی را بها دهیم که هنوز در حال شدن است؛ یعنی هنوز قرار ندارد و ما بیاییم فقهش را بگوییم و بعد معلوم شود ما ناقص گفتیم! اما فرض کنید رمز ارزها؛ این ها یا برخی از انواع شرکتها؛ هنوز وقتی با متخصص صحبت می کنیم نمیدانند دقیقا چیست؛ چون در حال شدن است یا شرکت های هر می؛ این ها را فقیه باید کار کند و نظر قطعی ندهد چون مباحث به نتیجه قطعی نرسیده است و این که نتوان نظر قطعی و مشخص داد این هم از آسیب به حساب می آید).

یکی از آقایان صحبت می کرد که وقتی اسکناس آمده بود، صاحب عروه 18 احتمال در خصوص اسکناس داد.... بحث را با تردیدهای ناموجه برگزار کردن از آسیب هاست.

• بحث پایانی

و اما قسمت سوم؛ یک صحبتی یک موقعی دانشگاه تبریز داشتم تحت عنوان فقه گردشگری؛ این را اگر ببینید مطلب خوبی است ببینید زیارت یا گردشگری که عام آن است البته من نمی خواهم این لفظ را جا بیندازم زیارت تقدسی دارد ولی واقعیت این است که زیارت نوعی گردشگری است؛ امروزه در بحث گردشگری می گویند یک تکنولوژی و صنعت و یک نقطه کانونی است که اگر درست انجام شود، دارای منافع زیادی است. منافع سیاسی و اقتصادی دارد. منافع فرهنگی دارد. از علل عمده نشر اسلام، مهاجرت مسلمانان و گردش مسلمانان به کشورها بود؛ فلان عالم از فلان شهر رفته و باعث نشر تشیع شده است. در شاخ افریقا و یا هند و سایر مکانها، ... اگر ما معتقدیم که الاسلام یعلو ولا یعلی علیه ما باید برای این اعتلا برای گردشگری یک حساب ویژه باز کنیم.

این بحث هم باید امتداد و خروجی اجتماعی پیدا کند.

ما در فقه های مضاف معمولا یک حرف می زنیم راجع به متدلوژی استنباط احکامش و می گوییم تمام آن چیز که در جوانب دیگر لازم است؛ یک سری موارد شرط لازم است اما یک سری مطالب شرط کافی است

. به هر حال باید ابعاد فرهنگی و ابعاد اقتصادی قضایا بحث شود در کنار این که دیگر مباحث هم که گفتیم شرط لازم آن است بحث می شود به این موارد هم توجه شود. شناختن دقیق یک موضوع و یک پدیده استفاده از نظر کارشناس در موضوع ؛ و در نهایت گفتمان بحث را هم داشته باشد این ها نکاتی است که در فقه زیارت لازم است امیدواریم آن چه لازم است ، بر زبان ما جاری شده باشد. الحمدلله رب العالمین .